

نظریه‌ها و فرانظریه‌ها در روابط بین‌الملل

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی
استاد دانشگاه علامه طباطبائی

نشر مخاطب

۱۳۹۴

سرشناسه	:	دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	:	نظریه‌ها و فرانتزیه‌ها در روابط بین‌الملل / نویسنده سیدجلال دهقانی فیروزآبادی.
مشخصات نشر	:	تهران: مخاطب، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	:	۲۶۸ ص.
شابک	:	978-600-5750-21-8
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۲۴۱ - ۲۵۵.
یادداشت	:	نمایه.
موضوع	:	روابط بین‌المللی
موضوع	:	روابط بین‌المللی — فلسفه
موضوع	:	اسلام و روابط بین‌المللی
رده بندی کنگره	:	۳۰۵ د. ۳۰۵ د. ۱۳۹۴
رده بندی دیویی	:	۳۲۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۶۲۸۸

عنوان: نظریه‌ها و فرانتزیه‌ها در روابط بین‌الملل

نویسنده: سیدجلال دهقانی فیروزآبادی

صفحه‌آرا: لیلا کاظمی

طراح جلد: الهه کاظمی

ناشر: مخاطب

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / پاییز ۹۴

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

تلفن دفتر مرکزی: ۶۶۹۵۸۲۲۵ تلفن همراه: ۰۹۱۲۳۰۸۷۲۳۲

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.mokhatabbook.com پست الکترونیکی www.mokhatabbook1379@gmail.com

مراکز پخش و فروش:

تلفن: ۶۶۹۷۳۱۷۵-۶

تلفن: ۶۶۹۷۴۶۴۵

تلفن: ۶۶۴۰۴۱۱۰

۱. تهران خیابان انقلاب اسلامی، خ ۱۲ فروردین، خ شهید لبافی نژاد، پلاک ۱۸۹، کتاب مهربان

۲. تهران، خیابان ۱۲ فروردین، بین روانمهر و نظری، بن بست حقیقت - پلاک ۴، واحد ۴، کتاب آوا

۳. تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بازارچه کتاب، پلاک ۱۲، انتشارات چاپخش

فهرست مطالب



صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۷	فصل اول: فراتئوریه - فراتئوریه پردازی در روابط بین الملل
۸	۱. مبانی و مفهوم فراتئوریه
۱۱	۲. فراتئوریه پردازی
۱۴	۳. نسبت حجری جهومی فراتئوریه
۱۵	۳-۱. نظریه
۱۸	۳-۲. پارادایم
۱۹	۴. مفاد و ابعاد فراتئوریه
۲۰	۴-۱. هستی‌شناسی
۲۱	۴-۲. معرفت‌شناسی
۲۴	۴-۳. روش‌شناسی
۲۵	۵. ضرورت، اهمیت و کارکرد فراتئوریه
۲۹	۶. جایگاه فراتئوریه
۳۳	فرجام
۳۵	فصل دوم: فراتئوریه‌های مختلف روابط بین الملل
۳۵	۱. اثبات‌گرایی
۳۶	۱-۱. گونه‌های اثبات‌گرایی
۳۹	۱-۲. اصول اثبات‌گرایی
۴۰	۱-۲-۱. طبیعت‌باوری
۴۲	۱-۲-۲. عینیت‌باوری
۴۳	۱-۲-۳. تجربه‌باوری
۴۴	۱-۲-۴. رفتارگرایی
۴۵	۱-۳. نوانیات‌گرایی / ابطال‌گرایی
۴۷	۱-۴. نقد و ارزیابی
۵۰	۲. عقل‌گرایی
۵۴	۳. عمل‌گرایی
۵۷	۴. تفسیرگرایی

۴-۱	هستی‌شناسی	۵۷
۴-۲	معرفت‌شناسی	۶۰
۴-۳	گونه‌های تفسیرگرایی	۶۱
۴-۴	روش‌شناسی	۶۴
۴-۵	اصول معرفت‌شناسی و روش‌شناسی	۶۵
۴-۶	نقد و ارزیابی	۶۶
۵	فرانظریه انتقادی	۶۷
۵-۱	انواع علم	۶۷
۵-۱-۱	علم اثباتی	۶۸
۵-۱-۲	علم تأویلی-تاریخی	۶۹
۵-۱-۳	علم انتقادی	۷۰
۵-۲	مختصات علم انتقادی	۷۲
۵-۲-۱	هستی‌شناسی	۷۲
۵-۲-۲	معرفت‌شناسی	۷۳
۵-۲-۳	روش‌شناسی	۷۷
۵-۳	نقد و ارزیابی	۷۷
۶	واقع‌گرایی علمی-انتقادی	۷۸
۶-۱	اصول و ارکان	۸۰
۶-۱-۱	واقع‌گرایی هستی‌شناختی	۸۱
۶-۱-۲	نسبی‌گرایی معرفت‌شناختی	۸۹
۶-۱-۳	خردگرایی در داوری علمی	۹۱
۶-۲	روش‌شناسی	۹۳
۶-۳	نقد و ارزیابی	۹۵
۷	تکنرگرایی تعاملی	۹۷
۷-۱	هستی‌شناسی	۹۷
۷-۲	معرفت‌شناسی	۹۹
۷-۳	روش‌شناسی	۱۰۲
	فرجام	۱۰۴
	فصل سوم نظریه و نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل	۱۰۹
۱	معنا و مفهوم نظریه‌پردازی	۱۱۰
۲	انواع نظریه‌پردازی	۱۱۱
۲-۱	اثبات‌گرایی: نظریه‌پردازی تجربی	۱۱۱
۲-۲	فرااثبات‌گرایی: نظریه‌پردازی فراتجربی	۱۱۴
۳	معنا و مفهوم نظریه	۱۱۷
۴	کارکردهای نظریه	۱۱۹

۵. گونه‌شناسی نظریه‌های روابط بین‌الملل ۱۲۳

۵-۱. معیارهای تقسیم‌بندی نظریه‌ها ۱۲۳

۵-۲. انواع نظریه‌ها ۱۲۶

۵-۲-۱. نظریه عملی/نظریه علمی ۱۲۶

۵-۲-۲. نظریه تبیینی/نظریه تکوینی ۱۲۹

۵-۲-۳. نظریه مشکل‌گشا/نظریه انتقادی ۱۳۱

۵-۲-۴. نظریه تجربی/نظریه هنجاری ۱۳۵

۶. معیار صدق نظریه‌ها ۱۳۹

۶-۱. معیارهای ارزیابی نظریه‌ها ۱۳۹

۶-۲. ملاک‌های نظریه علمی مطلوب ۱۴۰

۶-۳. ملاک‌های نظریه عملی مطلوب ۱۴۴

۷. محدودیت‌های نظریه علمی ۱۴۷

۷-۱. مداخله و علائق خاص ۱۴۷

۷-۲. ویژگی‌های ۱۴۸

۷-۳. فراگرد دانش‌آزمایی و شناخت ۱۴۹

فصل چهارم: مروری بر نظریه‌های روابط بین‌الملل ۱۵۲

۱. تحول نظری در روابط بین‌الملل ۱۵۵

۲. تعیین و تقسیم‌بندی نظریه‌ها ۱۵۷

۳. مناظره اول: آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی ۱۵۹

۳-۱. آرمان‌گرایی ۱۶۱

۳-۲. واقع‌گرایی ۱۶۴

۴. مناظره دوم: سنت‌گرایی، رفتارگرایی و فراتارگرایی ۱۶۸

۴-۱. سنت‌گرایی ۱۶۸

۴-۲. رفتارگرایی ۱۷۱

۴-۳. فراتارگرایی ۱۷۶

۵. مناظره سوم: واقع‌گرایی، لیبرالیسم، مارکسیسم ۱۷۸

۵-۱. لیبرالیسم/تکنرگرایی لیبرال ۱۷۹

۵-۱-۱. نظریه صلح دموکراتیک ۱۸۱

۵-۱-۲. لیبرالیسم اقتصادی ۱۸۳

۵-۲. مارکسیسم/ساختارگرایی/جهان‌گرایی ۱۸۶

۶. مناظره نونو: نواقع‌گرایی و نولیرالیسم ۱۸۹

۶-۱. نواقع‌گرایی ۱۸۹

۶-۱-۱. اصول و مفروضه‌ها ۱۹۰

۶-۱-۲. انواع نواقع‌گرایی ۱۹۳

الف) نوواقع گرایی تدافعی.....	۱۹۴
ب) نوواقع گرایی تهاجمی.....	۱۹۷
۶-۲ نولیبرالیسم.....	۱۹۹
۷. مناظره چهارم: خردگرایی در برابر تأمل گرایی.....	۲۰۳
۷-۱. نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت.....	۲۰۶
۷-۲. پست مدرنیسم.....	۲۰۹
۷-۳. سازمانگاری.....	۲۱۲
۷-۳-۱. ساختارهای انگارهای.....	۲۱۶
۷-۳-۲. هویت و منفعت.....	۲۱۸
۷-۳-۳. قدرت کردارها و رویه ها.....	۲۲۱
۷-۳-۴. کنش سیاست خارجی.....	۲۲۳
۸. رهیافت اساسی.....	۲۲۶
۸-۱. اصالت واقع.....	۲۲۷
۸-۲. جوهرگرایی حداقل.....	۲۲۷
۸-۳. تکثرگرایی علی.....	۲۲۸
۸-۴. اراده گرایی: اختیار و کارگزاران بین المللی.....	۲۲۸
۸-۵. تعامل گرایی: قوام بخشی متقابل / اختار / کارگزار.....	۲۲۸
۸-۶. عقل گرایی: عقلانیت دوگانه کنشگران بین المللی.....	۲۲۹
۸-۷. امت محوری: جهان های متعدد.....	۲۳۰
۸-۸. همگرایی انسانی: جامعه جهانی واحد.....	۲۳۰
۸-۹. قاعده مندی پدیده های بین المللی.....	۲۳۱
۸-۱۰. تحول گرایی: اصلاح پذیری روابط بین الملل.....	۲۳۲
۸-۱۱. اصل عدالت.....	۲۳۳
۸-۱۲. تکثرگرایی معرفت شناختی.....	۲۳۳
۸-۱۳. میناگرایی معرفت شناختی.....	۲۳۴
۸-۱۴. تعامل گرایی ارزشی: تعامل دانش و ارزش.....	۲۳۴
۸-۱۵. تنوع و تکامل گرایی.....	۲۳۵
۸-۱۶. نظریه عام و جهانشمول.....	۲۳۵
۸-۱۷. کل نگری.....	۲۳۶
۸-۱۸. نظام محوری.....	۲۳۶
۸-۱۹. تکثرگرایی روش شناختی.....	۲۳۶
۸-۲۰. تعامل گرایی روش شناختی.....	۲۳۷
منابع و مأخذ.....	۲۴۱
ب) انگلیسی.....	۲۴۶
نمایه.....	۲۵۵

پیشگفتار

نظریه‌ها و رویکردهای نظری مختلف و متعارضی در رشته روابط بین‌الملل ساخته و پرداخته شده است. برخی از این دریافت‌های نظری پیش از تأسیس و تکوین رشته مستقل روابط بین‌الملل در سال ۱۹۱۹ وجود داشته‌اند. اما غالب این رویکردها و نظریه‌ها پس از شکل‌گیری رشته روابط بین‌الملل و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم تدوین و تکامل یافتند؛ به گونه‌ای که امروزه نظریه‌های روابط بین‌الملل برپایه واقعیت این دیسپلین علمی به شمار می‌روند. هر یک از این نظریه‌ها از منظر خاصی به جهان روابط بین‌الملل و پدیده‌های بین‌المللی می‌نگرد و تبیین و تفسیر متفاوتی از آن ارائه می‌دهد و ترسیه و تجویر مختلفی نیز در مورد آن دارد. براین اساس، نظریه‌پردازی به‌عنوان یک کنش معرفتی، یکی از مهمترین اهداف مطالعات روابط بین‌الملل است.

با عنایت به نقش و کارکرد نظریه‌ها در درک، فهم، تریخ و تفسیر روابط بین‌الملل، از یک سو، و آثار عملی و سیاست‌گذارانه آنها از سوی دیگر، واکاوی ماهیت، اهداف و انواع نظریه‌های روابط بین‌الملل و فرایند نظریه‌پردازی به‌عنوان معرفت‌شناسی، هم اهمیت و ضرورت می‌یابد. از این رو، تقریر و تشریح نظریه‌های روابط بین‌الملل و تبیین چگونگی و فرایند نظریه‌پردازی یکی از موضوعات و مباحث مهم روابط بین‌الملل می‌باشد. در سه دهه‌های اخیر رونق و رواج بسیاری یافته است.

توضیح نظریه‌ها و تبیین چگونگی پردازش آنها در چارچوب فرانظریه صورت می‌گیرد؛ به‌طوری که توضیح ماهیت، هویت و قدرت تبیین نظریه‌های مختلف و فرایند پردازش آنها نیز ارزش معرفتی دارد و جزئی از فعالیت علمی به شمار می‌رود. فرانظریه روابط بین‌الملل درصدد پاسخگویی به این پرسش معرفتی است که یک نظریه خوب و مطلوب روابط بین‌الملل چگونه است و چه ویژگی‌هایی دارد. از این رو، فرانظریه بخشی از تلاش و تحقیق برای تبیین موضوع اصلی روابط بین‌الملل به‌صورت غیرمستقیم است، زیرا اگر این ادعا درست باشد که دست‌کم

بخشی از معنای واقعیت بستگی به نظریه دارد، و این که نظریه نیز برای اثبات صحت و صدق خود وابسته به فرانظریه است، فرانظریه در روابط بین‌الملل از جایگاه والایی برخوردار می‌باشد. پس فرانظریه، همان‌گونه که در فصل اول توضیح داده خواهد شد، به معنای نظریه‌ای درباره نظریه نه تنها انحراف از موضوع اصلی روابط بین‌الملل نیست بلکه در متن رشته روابط بین‌الملل قرار دارد.

بنابراین، فهم و درک و تحلیل درست روابط بین‌الملل در گرو شناخت دقیق و عمیق نظریه‌های روابط بین‌الملل است؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد که بدون نظریه نمی‌توان روابط بین‌الملل را به نوبی درک و فهم کرد، زیرا هیچ کس فارغ از نظریه به جهان روابط بین‌الملل نمی‌نگرد. آن را دریافت نمی‌کند. بدین ترتیب، برداشت درست از واقعیت‌ها و پدیده‌های بین‌المللی مستلزم شناخت صحیح از نظریه‌های تبیین‌کننده آنها می‌باشد. این امر اهمیت و ضرورت مطالعه و تبیین نظریه‌ها و فرانظریه‌های روابط بین‌الملل به‌عنوان هدف اصلی این کتاب را موجه می‌سازد.

بنابراین، در این کتاب از یک سو در بخش اول، تلاش می‌شود تا فرانظریه‌های روابط بین‌الملل توضیح داده شود. به منظور تبیین این هدف نخست معنا و مفهوم فرانظریه و فرانظریه‌پردازی و جایگاه آن در روابط بین‌الملل بررسی می‌شود. سپس هریک از فرانظریه‌هایی که نظریه‌های روابط بین‌الملل برپایه آنها تکوین می‌یابد، تفسیر و تبیین می‌شود. از سوی دیگر، در بخش دوم، پس از بحث و بررسی نظریه و نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل، مهمترین نظریه‌های روابط بین‌الملل مرور می‌شود. ملاک اهمیت نظریه‌ها نیز میزان تأثیرگذاری و رواج آنها در رشته روابط بین‌الملل است. میزان تأثیرگذاری نیز، همان‌گونه که در فصل سوم استدلال خواهد شد، برحسب حضور مؤثر و تعیین‌کننده نظریه در مناظره‌های شکل‌دهنده به دانش نظری روابط بین‌الملل تعریف می‌شود.

بیان چند نکته دیگر، که در این کتاب به طور مستقیم و غیرمستقیم به آنها پرداخته می‌شود، نیز ضرورت دارد؛ نکاتی که انتظاری را که ما باید از نظریه‌ها و فرانظریه‌های روابط بین‌الملل داشته باشیم تعیین و تعریف می‌کنند. اول، رشته و دانش روابط بین‌الملل به ویژه نظریه‌های روابط بین‌الملل، همان‌گونه که استنلی هافمن و استیو اسمیت تصریح می‌کنند، ساخته و پرداخته محافل و مراکز علمی و دانشگاهی آمریکاست. به گونه‌ای که سایر ملت‌ها و کشورها، حتی اروپایی، نقش و سهم اندک و حاشیه‌ای در تأسیس، تدوین، توسعه و تکامل این حوزه معرفتی داشته‌اند. تنها پس از فروپاشی شوروی است که محافل علمی اروپایی درصدد ایفای

نقش فعال‌تر و سازنده‌تری برآمده‌اند. تنها مورد استثناء شکل‌گیری مکتب انگلیسی در محافل دانشگاهی بریتانیا بوده است.

تکوین و تکامل نظریه‌ها و رهیافت‌های نظری غالب و رایج در رشته روابط بین‌الملل در محافل دانشگاهی و نظری آمریکا یا حتی غرب، دلالت‌ها و پیامدهای نظری و عملی خاص خود دارد که باید مدنظر قرار داد. اولاً، با توجه به زمینه‌مندی و فرهنگ‌زدگی نظریه‌ها، رشد و نمو نظریه‌های روابط بین‌الملل در بافتارها و ساختارهای فکری و فرهنگی آمریکایی و غربی، آنها را سرشار و پر بار از دغدغه‌های آنان می‌کند. واقعیتی که به جز اثبات‌گرایی خام و اولیه همه مکاتب فلسفی و نظری‌های رایج در روابط بین‌الملل کم و بیش به آن اذعان دارند.

ثاناً، همان‌طور که رابرت کاکس می‌گوید، از آنجا که هر نظریه‌ای در جایی، توسط کسی و با هدفی، تکوین یافته و تدوین می‌شود، و هیچ نظریه خنثی و بی‌طرفی عملاً وجود خارجی ندارد، نظریه‌های روابط بین‌الملل متضمن اهداف و مقاصد خاص هستند. ماهیت زمینه‌پرورده نظریه‌های روابط بین‌الملل بر آن دلالت دارد که اهداف آنها، دست‌کم به‌صورت ضمنی و ناخواسته و ناخودآگاه، تحت تأثیر آرمان‌ها و آماج بافتاری است که در آن تدوین و تکوین یافته‌اند. باز واقعیتی که به جز تجربه‌بران و علم‌گرایان افراطی به درستی آن اعتراف می‌کنند.

ثالثاً، زمینه‌مندی و هدفمندی نظریه‌های روابط بین‌الملل حاکی از این امر است که آنها بازتاب دهنده تجارب و بیانگر مسائل جامعه را بنوامعی هستند که در آن ساخته و پرداخته شده‌اند. به گونه‌ای که نظریه‌های روابط بین‌الملل حامل تجارب خاص انسانی اعم از عینی، ذهنی، شخصی و اجتماعی در مواجهه با مسائل و مشکلاتی هستند که نظریه‌پرداز و جامعه او با آنها روبه‌رو بوده‌اند. از این رو، به رغم ادعای عمومیت و شمولیت بعضی از نظریه‌ها، آنها تجارب و مسائل همه بشریت را، دست‌کم به، یک میزان منعکس نمی‌سازند.

رابعاً، نظریه‌های روابط بین‌الملل براساس اهداف، تجارب و مسائل خاصی که دارند، راه‌حل‌ها، توصیه‌ها و تجویزهای عملی و نظری خاصی را نیز ارائه می‌دهند؛ به طوری که چگونگی تلقی و تجربه واقعیت و مسائل بین‌المللی در نظریه‌ها به راه‌حل‌ها، توصیه‌ها و تجویزهای نظری متفاوتی از سوی آنها می‌انجامد. حتی اگر نظریه را کاملاً عینی و عاری از ارزش بدانیم که خالی از توصیه و تجویز است، باز بدان معنا نیست که امکان استفاده تجویزی از آنها در سطح کاربردی و سیاست‌گذاری وجود ندارد.

دوم، براساس زمینه‌مندی، هدفمندی و فرهنگ‌پروردگی نظریه‌های روابط بین‌الملل، نباید انتظار داشت که آنها همه آرمان‌ها و آمال بشر را منعکس سازند و برای همه مشکلات جوامع بشری راه حل ارائه دهند. همچنین نباید توقع داشت که آماج و اهداف همه کشورها و جوامع به

یک میزان در این نظریه‌ها بازتاب یابد و برای مشکلات آنها راه‌حل ارائه شده باشد. بلکه، همان‌گونه که گفته شد، نظریه‌های روابط بین‌الملل به طور گزینشی عمل می‌کنند و اهداف و مسائل خاصی را منعکس می‌سازند که لزوماً فراگیر و جهانشمول نمی‌باشد.

سوم، درک و فهم نظریه‌های روابط بین‌الملل مستلزم و نیازمند خوانش و دانش انتقادی است؛ به گونه‌ای که باید در هر دو سطح تدوین و توجیه، به اهداف و عواقب آنها اندیشید و به نقل و تقلید صرف آنها نپرداخت. البته ناگفته پیداست که دانش و خوانش انتقادی خود در گرو شناخت و معرفت دانش نظری موجود است؛ به گونه‌ای که در صورتی می‌توان به نقد نظریه‌های موجود پرداخت که از آنها شناخت دقیق و عمیق داشت. از این رو، برای نقد نظریه‌های متعارف و رایج در روابط بین‌الملل نخست باید آنها را به دقت خواند و فهمید، چون بدون فهم و درک درست و دقیق نظریه‌های موجود و مبانی فرانظری و فلسفی آنها نه می‌توان به نقد آنها پرداخت و نه می‌توان فراتر از آنها رفت.

چهارم، فراتر رفتن از نظریه‌های روابط بین‌الملل موجود، نیازمند فراگرفتن آنهاست. از این رو، برای اعتقاد به نظریه‌های اسلامی و اسلامی روابط بین‌الملل، هم ممکن است و هم مطلوب، ولی در انداختن چنین نظریه‌ای با این پرداختن به نظریه‌های موجود ناممکن و حتی ناموجه است، چرا که نخست باید نقص، نقص‌ها را ناکارآمدی نظریه‌های موجود را به‌صورت مستدل و مستند بر ملا ساخت تا ساختن و پرداختن نظریه‌ای دیگر مدلل و موجه گردد. حتی به فرض اینکه پرداختن یک نظریه بومی هیچ ارتباط و طغیان با سایر نظریه‌های روابط بین‌الملل نداشته باشد، دست‌کم در مقام مقایسه و تطبیق این دو، شناخت نظریه‌های موجود و متعارف در علم روابط بین‌الملل یک ضرورت معرفتی است.

پنجم، براساس آنچه آمد، نقد و ارزیابی نظریه‌های موجود در روابط بین‌الملل اگرچه لازم و ضروری است ولی برای نقد در ابتدا باید نظریه‌ها و فرایندهای روابط بین‌الملل را تقریر و تشریح کرد. هدف این کتاب بیش از آنکه نقد و ارزیابی نظریه‌های روابط بین‌الملل باشد، توضیح و تقریر آنهاست. نقد و ارزیابی نظریه‌های روابط بین‌الملل فرصت و فضای دیگری می‌طلبد که امیدوارم در چارچوب تألیف کتاب مستقل دیگری تحقق یابد. صاحب این قلم با همکاری صاحب‌نظران دیگر درصددند که در آینده نزدیک به این مهم جامه عمل بپوشانند.

ششم، آموزش و آموختن نظریه‌های رایج در روابط بین‌الملل، از منظر سیاست‌گذارانه نیز ضرورت و اهمیت دارد. از آنجا که نظریه‌های حاکم بر روابط بین‌الملل به ذهنیت تصمیم‌گیرندگان بسیاری از کشورها شکل می‌دهند، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری این کشورها در چارچوب این نظریه‌ها صورت می‌گیرد. از این رو، از یک طرف، درک و فهم رفتار و سیاست‌ها در

روابط بین‌الملل مستلزم شناخت دقیق این نظریه‌ها می‌باشد. از طرف دیگر، چون تصمیم‌گیری و سیاستگذاری واقع بینانه نیازمند شناخت درست ذهنیت و عقلانیت سایر بازیگران بین‌المللی است، درک و دریافت مبانی نظری شکل‌دهنده به این ذهنیت و عقلانیت ضرورت می‌یابد. افزون بر این، هدف اصلی مطالعه و آموزش روابط بین‌الملل شناخت بهتر و بیشتر از چگونگی و چرایی رفتار کشورها در نظام بین‌الملل جهت خدمت به منافع ملی کشور است. تحقق و تأمین این هدف نیز نیازمند آگاهی از اهداف و انگیزه‌های رفتاری کشورها می‌باشد. فهم نظریه‌های روابط بین‌الملل کمک می‌کند تا این هدف محقق گردد.

هفتم، از یک سو، عام‌گرایی نظری در قالب برداش و پذیرش فراروایت‌های نظری و نظریه‌های پتانسیل نباید ما را از درک ماهیت زمینه‌پرورده و فرهنگ‌زده نظریه‌های روابط بین‌الملل بازدارد. از سوی دیگر، برای پرهیز از عینیت‌گرایی و مطلق‌گرایی نظری و مواجهه عالمانه با آن نباید در تمام دامن‌سوز نسبی‌گرایی معرفتی و نظری افتاد. نسبی‌گرایی معرفتی به مراتب از عینی‌گرایی و تمام‌گرایی معرفتی مضرت و مخرب‌تر است، چون سرانجام نسبی‌گرایی معرفتی و نظری خلط علم و شبه‌علم و بوج‌گرایی و هیچ‌انگاری است که حیات فردی و اجتماعی را از معنا تهی می‌کند.

بنابراین، این واقعیت که معرفت و نظریه تحت تأثیر بافتار و ساختار اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد متضمن و مستلزم نسبی‌گرایی معرفت‌شناختی نیست. به بیان دیگر، زمینه‌مندی و فرهنگ‌زدگی نظریه‌های روابط بین‌الملل بدین معنا نیست که همه آنها از ارزش معرفتی یکسانی برخوردارند یا اینکه همه آنها صادقند. زمینه‌پرورده‌گی نظریه‌ها به این امر دلالت دارد که کاربرست یک نظریه محصول یک محیط اجتماعی و فرهنگی برای تحلیل مسائل محیط دیگر با محدودیت‌هایی روبه‌روست. چون هر جامعه‌ای دارای ارزش‌ها و هنجارهای خاصی است که برمعارف و نظریه‌های تولیدشده در آنها تأثیر می‌گذارد. اما از سوی دیگر، صحت و کذب نظریه‌ها را می‌توان بر پایه ملاک‌ها و معیارهای مشترک و مطلق یا دست‌کم مورد توافق سنجید و ارزیابی کرد. اگرچه، همان‌طور که توضیح داده خواهد شد، در اثر وجود نظریه‌های مختلف صدق این ملاک‌ها و معیارها نیز مورد اختلاف نظر است؛ به گونه‌ای که فرانظریه‌ها و نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل، بر اساس یکی از نظریه‌های صدق، به معیارها و ملاک‌های متفاوتی قائلند.

در پایان از همه کسانی که به چاپ و انتشار این کتاب کمک کردند تشکر می‌کنم. بیش و پیش از هرچیز قدردان صبر و حوصله خانواده‌ام هستم که امکان و فرصت نگارش کتاب را فراهم آوردند. سعی و کوشش دست‌اندرکاران نشر مخاطب برای چاپ و انتشار مطلوب کتاب نیز

شایسته تقدیر است. امیدوارم که این کتاب برای دانشجویان و دانش‌پژوهان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و جامعه علمی کشور سودمند باشد.

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی

تهران- دهم مردادماه ۱۳۹۴

www.ketab.ir